

متن پرسش

بسمه تعالی. سلام علیکم. (تقویت حاکمیت اسلام) ارکان یک حکومت بر اساس اهداف و افکار و به اصطلاح امروزی آن، "ایدئولوژی" آن حکومت تشکیل می شود وقتی بنا شد حکومتی بنام اسلام و برای اسلام محقق شود، رکن اصل و اصیل آن، اسلام باید باشد، همچنان هر حکومت دیگری که حکومتی با ایدئولوژی خاص خود شکل میگیرد و رکن آن در مدیریت و تحقق آن نحو از مدیریت، همان ایدئولوژی مخصوص به خود است. و همراه با اینکه ارکان خود را برپایه نوع نگرش خود شکل می دهد، نهادی برای حفظ نگرش خود در میان ملت برای حفظ راه و نوع مدیریت خود مقرر میکند تا نه تنها ملت مانع حکومت نباشد بلکه در راستای حکومت گام بردارد. جمهوری اسلامی ایران که با پشتوانه فکری اسلام روی کار آمد، از درون حوزه های علمیّه متولد شد که به تعبیر رهبر شهید، حوزه های علمیّه نقش مادری انقلاب را به عهده دارند. و حوزه ی امروز با فرزند جوانی روبروست که نیاز های فرای زمان تولد و خردسالی خود دارد؛ و حوزه لاجرم از اینست که برای فرزند خود زمینه های تکامل هرچه بیشتر را فراهم گرداند تا نه اینکه جوانی او را کال و نارس نگه دارد. از جمله بزرگترین نیاز های انقلاب از قلب تپنده ی خود یعنی حوزه های علمیّه؛ خون رسانی به انحاء نقاط اوست؛ حوزه باید تمام سرزمین انقلاب را با آب حیات اسلام، نه تنها زنده نگه دارد، بلکه نیرو بخشد و پیکره ی آن را از کم توانی دور سازد و این پیکر مقدس را چست و چالاک نگاه دارد تا نه تنها در برابر هر آفتی مقاوم بوده، بلکه سرزمین های تاریک و مرده را نور حیات و قدرت بخشد و در نبرد با سرزمین های سرطانی امریکایی صهیونیستی، ظفرمند از میدان بیرون رود. اما این قلب ضعیف و این مادر نحیف! اگر خود را احیا نکند نمی تواند حیات بخش این اجتماع بزرگ باشد. حوزه راهی ندارد جز اینکه شریان های بیشتری را خون رسانی نماید تا بتواند با مسیر های بیشتری با اندام این سرزمین مرتبط باشد؛ قلبی که با یک مسیر (در تفکر و در اجرا) خون رسانی نماید، نمی تواند محل های متعدد را پوشش دهد و عملاً دچار ناکارآمدی و مرگ نقاط دور خواهد شد؛ که به تعبیر رهبر شهید: حوزه باید به سمت تخصصی شدن (در علم و عمل؛ در طرح و اجرا) پیش برود... اسلام همچون خونبست که از قلب تپنده ی حوزه های علمیّه، باید در تمامی اندام و ارکان این سرزمین سریان پیدا کند تا این پیکر بر اساس آن نگرش (یعنی اسلام) بتواند به راه خود ادامه دهد. یعنی آنچه مایه حیات و نجات جامعه؛ در نوع نگاه به اقتصاد، سیاست، فرهنگ، سبک زندگی، تربیت، تحصیل و حفظ و احیای آنست، اسلام است. و این را حوزه! این مادر دلسوز باید برای انقلاب، آن فرزند برومند خود فراهم گرداند. جایی، راهی، فکری، تصمیمی، انتخابی، نتیجه ای نیست که اسلام برای آن نظری نداشته باشد و نیز در جامعه اسلامی

جایی، راهی، فکری، تصمیمی، انتخابی، نتیجه ای نباید باشد که نظر اسلام را رعایت نکرده باشد... و این تنها راه پیشرفت کشور ایران است

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: جایگاه تاریخی حوزه علمیه به حکم حضور آخرالزمانی اسلام عزیز، همان است که فرمودید. و اتفاقاً حوزه علمیه قم بحمدالله چنین استعدادی را دارا می‌باشد به همان معنایی که آقای شهید ایران در صدمین سال حوزه علمیه قم از آن خبر دادند. لازمه چنین حضوری که می‌فرمایید اولاً: توجه به نیاز بشر آخرالزمانی است که دیگر نمی‌خواهد در قرون وسطایی خود باشد و ثانیاً: بازخوانی حضور خطیری است که برای حوزه علمیه خود به خود در این زمانه پیش آمده که دیگر نمی‌تواند خود را محدود به جوابگویی فقهی مؤمنین و رفع شبهات عقیدتی آنان بداند. در حالی که اسلام، جهانی و تمدنی به میان آمده است و طلبه باید با نظر به آن حضور با نور قرآن و تذکرات اهل البیت «علیهم‌السلام» با این بشر سخن داشته باشد تا همین طلبه متوجه شود چه اندازه در کار خود و در شخصیت خود ارزشمند است. آری! طلاب عزیز ما باید متوجه زمانه و توانایی خود باشند که بحمدالله عده‌ای چنین‌اند و مایه امیدواری برای آینده حوزه علمیه. موفق باشید